



# بررسی عوامل مرتبط با تعارض ارزشی پدران و پسران در خانواده های ایثارگران و جانبازان استان فارس

مجریان طرح: دکتر حلیمه عنایت و مریم حسینی

ناظر علمی : دکتر مزیدی

داور نهایی : دکتر محمد خیر

سال اجرا : 1389

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مرتبط با تعارض ارزشی در بین پدران و پسران خانواده های جانبازان و ایثارگران، انجام گرفت. ابتدا به بیان ضرورت، اهمیت و اهداف این پژوهش پرداخته شد و سپس تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این باره مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن، با مروری بر نظریه های موجود در این حوزه، نظریه پارسونز به عنوان چهارچوب نظری پژوهش انتخاب گردید. این پژوهش به روش پیمایشی و بر روی نمونه 448 نفری از پدران و پسران خانواده های جانبازان و ایثارگران انجام گرفته است.

پس از اجرای پیمایش، داده های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس نتایج بدست آمده از آمار توصیفی و استنباطی شرح داده شد. در قسمت آمار توصیفی به بیان فراوانی و درصد افراد پاسخگو در متغیرهایی مثل سن، بعد خانواده، تحصیلات والدین، قومیت، محل تولد، محل سکونت و ...، پرداخته شد و سپس فراوانی و درصد پاسخ ها برای طیف های موجود به صورت جداگانه آورده شد. در قسمت آمار استنباطی، رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته (میزان تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان و میزان تعارض ارزشی کل و ابعاد آن) مورد آزمون قرار گرفت.



نتایج بررسی در کل تفاوت و تعارض در ارزش های پدران و پسران را نشان داد . همچنین پاسخگویان (پدران و پسران) در مورد ابعاد مختلف تعارض ارزشی ( ارزش های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ) و بیشتر گویه های آنها با یکدیگر تفاوت معنادار داشتند و این می تواند مؤید وجود تعارض در بین این دو نسل باشد. از بین متغیر های مستقل نیز، رابطه اختلاف سنی تنها با متغیر وابسته تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان رد شد و با سایر متغیرهای وابسته (تعارض ارزشی کل و ابعاد آن) مورد تأیید قرار گرفت . رابطه متغیر اختلاف سرمایه انسانی، تنها با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان تأیید گردید. رابطه میزان استفاده از رسانه ها با متغیر تعارض ارزشی کل و ابعاد آن برای هر دو نسل مورد تأیید قرار گرفت و با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان تنها برای پدران تأیید گردید.

رابطه میزان استفاده از فن آوری های ارتباطی و اطلاعاتی با تعارض ارزشی کل و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن برای هر دو نسل تأیید و با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان برای هر دو نسل رد شد. همچنین رابطه این متغیر مستقل با تعارض ارزشی در بعد اقتصادی، تنها برای پسران تأیید گردید .



رابطه متغیر تعهد مذهبی با متغیرهای تعارض ارزشی کل و بعد فرهنگی آن برای هر دو نسل مورد تأیید قرار گرفت و با متغیرهای تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان و بعد اقتصادی تعارض ارزشی تنها در مورد پدران و با بعد اجتماعی تعارض ارزشی تنها در مورد پسران تأیید گردید. رابطه نگرش نسبت به خانواده با متغیر وابسته تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان برای هر دو نسل تأیید و با ابعاد اجتماعی و اقتصادی تعارض ارزشی برای هر دو نسل رد شد. همچنین رابطه این متغیر مستقل با تعارض ارزشی کل و بعد فرهنگی آن، تنها برای پسران تأیید گردید. در نهایت، نتایج بررسی رگرسیون چند متغیره بر قدرت تبیین کنندگی بالایی رسانه ها و تعهد مذهبی پدران و فرزندان در افزایش یا کاهش تعارض ارزشی تأکید نمودند.

### اهداف پژوهش

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی عوامل تأثیرگذار بر تعارض ارزشی پدران و فرزندان در خانواده های ایثارگران و جانبازان در استان فارس می باشد.

### اهداف جزئی پژوهش:

- سنجش تعارض ارزشی پدران و پسران در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی.
- بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی و فرهنگی بر تعارض ارزشی.

## فرضیه های پژوهش

- بین ارزش های (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) پدران و پسران، تعارض وجود دارد.
- بین اختلاف سنی پدران و پسران و تعارض ارزشی آنها، رابطه وجود دارد.
- بین اختلاف سرمایه انسانی پدران و پسران و تعارض ارزشی آنها، رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی توسط پدران و پسران و میزان تعارض ارزشی و ابعاد آن ، رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی توسط پدران و پسران و میزان تعارض ارزشی و ابعاد آن، رابطه وجود دارد.
- بین تعهد مذهبی پدران و پسران و میزان تعارض ارزشی و ابعاد آن ، رابطه وجود دارد.
- بین نگرش پدران و پسران نسبت به خانواده و میزان تعارض ارزشی و ابعاد آن ، رابطه وجود دارد.

## روش تحقیق

در این پژوهش از "روش پیمایشی" استفاده گردیده است. پیمایش ها در سال های پایانی قرن بیستم به یکی از عمومی ترین و شایعترین رویکردها در تحقیق اجتماعی مبدل شدند. خصوصیات اساسی پیمایش ها عبارتند از : 1- پوشش گسترده و فراگیر. 2- تمرکز در يك نقطه مشخص از زمان. 3- تحقیق تجربی (دینسکامب ، 1988: 11).

در این پژوهش، جامعه آماری، شامل کلیه پدران و فرزندان پیش دانشگاهی خانواده های جانبازان و ایثارگران استان فارس می باشد. تعداد فرزندان جانبازان و ایثارگران در مقطع پیش دانشگاهی 224 نفر بوده و با توجه به اینکه تعداد پدران نیز 224 نفر می باشد، کل جامعه آماری مورد نظر را 448 نفر تشکیل می دهند.

در این پژوهش به دلیل آن که تعداد جامعه آماری تحقیق زیاد نبوده، ناگزیر از نمونه گیری خودداری شده و کل شماری انجام گرفته است. بنابراین حجم جامعه آماری 448 نفر، یا به عبارت دیگر 224 جفت پدر و پسر می باشد. در ضمن به دلیل آنکه در این پژوهش کل شماری استانی انجام می گیرد، لذا نتایج قابل تعمیم به کل کشور می باشد.

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات، از پرسش نامه استفاده شده است. پرسش نامه مورد استفاده حاوی دو نوع پرسش باز و بسته می باشد. مزیت این گونه پرسش نامه ها تسهیل در پاسخگویی و نیز تسهیل در استخراج و تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده است. ( نبوی، 1378: 128). پرسشنامه مورد استفاده شامل سؤالات مربوط به سنجش تعارض ارزشی بین پدران و پسران (در ابعاد ارزش های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) و همچنین متغیرهای مستقل شامل تعهد مذهبی، میزان استفاده از رسانه ها و فن آوری های ارتباطی، نگرش نسبت به جایگاه خانواده و سرمایه انسانی و متغیرهای جمعیتی می باشد.

### یافته های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مرتبط با تعارض ارزشی در بین پدران و پسران خانواده ای جانبازان و ایثارگران، انجام گرفت. ابتدا به بیان ضرورت، اهمیت و اهداف این پژوهش پرداخته شد و سپس تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این باره مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن، با مروری بر نظریه های موجود در این حوزه، نظریه پارسونز به عنوان چهارچوب نظری پژوهش انتخاب گردید. این پژوهش به روش پیمایشی و بر روی نمونه 448 نفری از پدران و پسران خانواده های جانبازان و ایثارگران انجام گرفته است.



پس از اجرای پیمایش، داده های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس نتایج بدست آمده از آمار توصیفی و استنباطی شرح داده شد. در قسمت آمار توصیفی به بیان فراوانی و درصد افراد پاسخگو در متغیرهایی مثل سن، بعد خانواده، تحصیلات والدین، قومیت، محل تولد، محل سکونت و ... ، پرداخته شد و سپس فراوانی و درصد پاسخ ها برای طیف های موجود به صورت جداگانه آورده شد. در قسمت آمار استنباطی، رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته (میزان تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان و میزان تعارض ارزشی کل و ابعاد آن) مورد آزمون قرار گرفت. نتایج بررسی در کل تفاوت و تعارض در ارزش های پدران و پسران را نشان داد. همچنین پاسخگویان (پدران و پسران) در مورد ابعاد مختلف تعارض ارزشی (ارزش های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) و بیشتر گویه های آنها با یکدیگر تفاوت معنادار داشتند و این می تواند مؤید وجود تعارض در بین این دو نسل باشد.

از بین متغیر های مستقل نیز، رابطه اختلاف سنی تنها با متغیر وابسته تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان رد شد و با سایر متغیرهای وابسته (تعارض ارزشی کل و ابعاد آن) مورد تأیید قرار گرفت.





رابطه متغیر اختلاف سرمایه انسانی، تنها با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان تأیید گردید. رابطه میزان استفاده از رسانه ها با متغیر تعارض ارزشی کل و ابعاد آن برای هر دو نسل مورد تأیید قرار گرفت و با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان تنها برای پدران تأیید گردید. رابطه میزان استفاده از فن آوری های ارتباطی و اطلاعاتی با تعارض ارزشی کل و ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن برای هر دو نسل تأیید و با متغیر تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان برای هر دو نسل رد شد. همچنین رابطه این متغیر مستقل با تعارض ارزشی در بعد اقتصادی، تنها برای پسران تأیید گردید. رابطه متغیر تعهد مذهبی با متغیرهای تعارض ارزشی کل و بعد فرهنگی آن برای هر دو نسل مورد تأیید قرار گرفت و با متغیرهای تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان و بعد اقتصادی تعارض ارزشی تنها در مورد پدران و با بعد اجتماعی تعارض ارزشی تنها در مورد پسران تأیید گردید. رابطه نگرش نسبت به خانواده با متغیر وابسته تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان برای هر دو نسل تأیید و با ابعاد اجتماعی و اقتصادی تعارض ارزشی برای هر دو نسل رد شد. همچنین رابطه این متغیر مستقل با تعارض ارزشی کل و بعد فرهنگی آن، تنها برای پسران تأیید گردید.



در نهایت، نتایج بررسی رگرسیون چند متغیره بر قدرت تبیین کنندگی بالایی رسانه ها و تعهد مذهبی پدران و فرزندان در افزایش یا کاهش تعارض ارزشی تأکید نمودند .

### بحث و نتیجه گیری

بحث تعارض نسل ها خصوصاً تعارض در ارزش های دو نسل، یکی از مباحث مهم جامعه معاصر است که توجه اندیشمندان بسیاری را به خود معطوف داشته است. از آنجا که ارزش ها به رفتارهای افراد جهت می دهند، لذا ارزش های متفاوت بین نسل ها باعث فاصله افتادن بین نسل ها و به دنبال آن تعارض بین آنها شده و هویت خانواده را به عنوان اولین و مهمترین مجرای اجتماعی شدن فرزندان با چالش مواجه می سازد، به طوری که نسل جدید پذیرای ارزش های ارائه شده توسط نسل گذشته نبوده و گاه ممکن است بر سر این مسأله به تضاد و تعارض با والدین بپردازند . بنابراین، بررسی عوامل مرتبط با تعارض ارزشی در بین پدران و پسران، بایستی به عنوان یکی از اولویتهای پژوهشی مورد توجه قرار بگیرد. این پژوهش نیز در جهت نیل به این هدف صورت پذیرفت و از ماحصل آن نتایجی کسب گردید که جای بحث دارد.

یافته های این پژوهش همراستا با نتایج پژوهش یوسفی (1383) و زین آبادی (1377) بر وجود تعارض بین ارزش های پدران و پسران تأکید نموده و بیشترین تعارض بین این دو نسل را به ترتیب در ارزش های فرهنگی، اجتماعی و سپس اقتصادی می داند و بر این نکته تأکید می نماید که ارزش های فرهنگی پدران و پسران بیشترین تفاوت را با یکدیگر دارند. معید فر (1387) نیز با تأیید این یافته، معتقد است که ایران با پدیده گسست فرهنگی مواجه است و نه شکاف نسلی. همان طور که در مبحث نظری مطرح گردید پارسونز برای فرهنگ اهمیت خاصی قائل است و آن را نیروی عمد های می انگارد که عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند میدهد. وی معتقد است که فرهنگ بسیار ذهنی و نمادین است و همین خصلت دو ویژگی به فرهنگ می بخشد، از یک سو اجازه می دهد تا به سهولت از طریق اشاعه از یک نظام اجتماعی به نظام اجتماعی دیگر و از طریق فراگیری و اجتماعی شدن از یک نظام شخصیتی به نظام شخصیتی دیگر انتقال یابد، و از سوی دیگر، توانایی نظارت بر نظام های دیگر کنش را کسب نماید. بنابراین فرهنگ در سلسله مراتب ارزش های پارسونز در بالاترین جایگاه قرار دارد و در واقع یک نظام مسلط است. (ریتزر، 1384).



نتایج پژوهش دلخموش (1385) نیز که در باب سلسله مراتب ارزش های افراد انجام شده، نشان می دهد که ارزش های فرهنگی، در بالاترین جایگاه ارزشی افراد قرار دارد. لذا با توجه به اهمیت ارزش های فرهنگی، وجود تعارض در این بعد ارزشی، می تواند به تعارض در دیگر ابعاد ارزش نیز منتهی گردد.

از آنجا که فرهنگ طی فرایندهای اشاعه، فراگیری و اجتماعی شدن از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد، لذا وجود تفاوت و تعارض در ارزش ها می تواند ناشی از تفاوت دو نسل در طی فرایندهای ذکر شده و یا به عبارت روشن تر ناشی از کانال های متفاوت اجتماعی شدن آنها باشد. امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات، رسانه ها، علاوه بر این که نقش تعیین کننده ای در شکل دهی به فرهنگ دارند. (کاستلز، 1380: 383)، به دلیل در دسترس بودن وسیع و گسترده بودن حوزه نفوذ پیام های آنها، تأثیر زیادی بر زندگی اجتماعی روزمره دارند و به رفتار و ارزش های افراد شکل می دهند و در اشاعه، فراگیری و اجتماعی کردن فرزندان نقش محوری ایفا می نمایند. گسترش رسانه های جمعی، تکنولوژی های ارتباطی و بسیاری موارد دیگر، موجب افزایش دانستنی ها و آگاهی های عمومی نسل جدید شده و حوزه ارتباطات آنها را وسیعتر نموده است.



نتیجه این روند آن است که در فرایند اجتماعی شدن، دیگر تنها منبع ارزشگذار فرد، خانواده و سنت حاکم بر خانواده نبوده و برای نسل نوجوان بیشتر از آن که خانواده گروه مرجع باشد و جامعه پذیری در درون آن اتفاق بیفتد، رسانه ها به عنوان مرجع و منبع اطلاعات نقش ایفا می نمایند در حالی که در مورد نسل گذشته عکس این مساله صادق است. لذا اگر در کانال های متفاوت اجتماعی شدن، ارزش های ارائه شده در یک راستا نباشند ممکن است به شکل گیری ارزش های متفاوت در بین دو نسل بیانجامد و به تبع آن تعارض ایجاد نماید. بنابراین بایستی به رسانه ها و ارزش های منتشر شده از آن توجه بیشتری نمود. از یک طرف، داده ها بیانگر میانگین استفاده بیشتر پسران از رسانه های جمعی نسبت به پدران است و لذا دور از انتظار نیست که بیشتر تحت تأثیر ارزش های آنها قرار بگیرند. از طرف دیگر یافته ها حاکی از آن است که نوع رسانه هایی که فرزندان استفاده می کنند با پدران متفاوت است. بر اساس نتایج بررسی، بعد از تلویزیون، به ترتیب اینترنت، فیلم و سی دی و سپس ماهواره در بین پسران و رادیوهای داخلی و روزنامه و مجلات در بین پدران پرطرفدارترین رسانه ها هستند. همانطور که ملاحظه می گردد نسل پسران بیشتر طرفدار رسانه های جدید هستند، در حالی که پدران به همان رسانه های گذشته اکتفا کرده و کمتر از رسانه های جدید استفاده می کنند.



با توجه به این که ارزش های منتشر شده توسط این دو گروه از رسانه ها متفاوت است ، لذا ارزش های متفاوتی نیز در این دو نسل شکل می گیرد که بعضاً با هم متفاوت و حتی متعارض هستند. بنابراین با توجه به تنوع رسانه ها و نقش بارز آنها در جامعه و اطلاع رسانی پیرامون موضوعات متعدد با دیدگاه های ارزشی متفاوت، ارزش ها و الگوهای نوینی ارائه می گردد تا جایگزین فرهنگ ها و ارزش ها و الگوهای سنتی شوند. در این رهگذر رسانه ها به عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش ها و هنجارها، سنت ها را به مبارزه می طلبند و به صورت يك عامل مؤثر در دگرگونی نگرش های نسل جدید عمل می کنند (ساعی، 1388). نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز مؤید این نکته بوده و ارتباط قوی میزان استفاده از رسانه ها و تعارض ارزشی بین پدران و پسران را در تمام ابعاد آن نشان می دهد .

متغیر دیگری که در تحلیل رگرسیون چند متغیره در معادله باقی مانده و اهمیت زیادی دارد، میزان تعهد مذهبی پاسخگویان است که ارتباط معکوسی با تعارض ارزشی دارد، چنانچه با افزایش میزان تعهد مذهبی افراد از تعارض ارزشی آنها کاسته می گردد.



شاید بتوان این گونه تعبیر کرد که تعهد مذهبی بسان کانونی است که اگر پدر و پسر، هر دو حول آن کانون باشند و مذهب برایشان مرکزیت داشته باشد، ارزش های کسب شده از محیط اجتماعی را با سنگ محک آن می پذیرند و لذا تفاوت کمتری در ارزش ها داشته و بنابراین تعارض کمتری نیز بین آنها پیش می آید.

از دیگر یافته های این پژوهش می توان به ارتباط مهم خانواده و نگرش نسبت به آن در کاهش یا افزایش تعارض ارزشی بین پدران و پسران اشاره نمود. هرچه خانواده برای پسران مهم تر بوده و از جایگاه والا تری برخوردار باشد، پدر نیز از جایگاه بهتری برخوردار بوده و ارزش های وی از سوی پسران، مورد پذیرش بیشتری قرار می گیرد و به عبارت دیگر جامعه پذیری و انتقال ارزش ها در درون خانواده بهتر انجام می گیرد و بنابراین تفاوت و تعارض کمتری بین این دو نسل اتفاق می افتد. اما اگر پسران خانواده را محیطی محکم، امن و صمیمی ندانند و بیشتر گرایش به محیط هایی خارج از خانواده (مثل گروه های دوستان و حتی رسانه ها) داشته باشند مسلم است که جامعه پذیری شان بیشتر از آن که در کانون خانواده و مطابق با ارزش های والدین صورت گیرد، با ارزش های گروه های دیگر (رسانه ها و یا دوستان) منطبق می گردد.



از دیگر متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت می توان به اختلاف سن و اختلاف سرمایه انسانی پاسخگویان اشاره کرد. تصور عموم این است که با بالا رفتن میزان این اختلاف، تعارض ارزشی بین پدران و پسران نیز بیشتر می شود. اما نتایج این پژوهش عکس این تصور را نشان می دهد. یعنی این که با بالا رفتن تفاوت سنی پدران و پسران، از میزان تعارض ارزشی آنها کاسته شده است .

به نظر می رسد پدرانی که تفاوت سنی بیشتری با پسران خود دارند بیشتر تلاش می کنند خود را با پسران شان هماهنگ کرده و به صورت مسالمت آمیزی با یکدیگر کنار بیایند. در مورد اختلاف سرمایه انسانی نیز مشاهده می گردد که این متغیر تنها با میزان تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان ارتباط معنادار برقرار کرده است. این ارتباط نیز معکوس بوده و نشان می دهد که با بالا رفتن اختلاف تحصیلات پدران و پسران میزان تعارض اعلام شده از نظر آنها، کاهش می یابد. از آنجا که سطح تحصیلات پسران ثابت (پیش دانشگاهی) بوده است، لذا این اختلاف می تواند به دو صورت وجود داشته باشد : یا تحصیلات پدران کمتر از پسران شان بوده و یا بیشتر از آنهاست و این بدین معناست که پدرانی که اختلاف سرمایه انسانی آنها با پسران شان زیاد است یا تحصیلات بالایی دارند و یا تحصیلات بسیار پایین که در هر دو صورت والدین، ارزش های نسل جدیدتر را می پذیرند و به همین دلیل تعارض کمتری با فرزندان نشان گزارش می نمایند.





اما از آنجا که تعارضی که خود پاسخگویان فکر می کنند با دیگری دارند با آنچه واقعاً وجود دارد، متفاوت می باشد، رابطه اختلاف سنی با تعارض ارزشی کل و ابعاد آن تأیید شده و تنها با تعارض ارزشی از دیدگاه پاسخگویان رد شده است در حالی که عکس این مساله را در مورد اختلاف سرمایه انسانی مشاهده می کنیم. در نهایت، بایستی به این نکته توجه داشت که تعارض ارزشی بین نسل ها با عوامل بسیاری مرتبط است که در این مجال به دلیل محدودیت های تحقیق، تنها به برخی از آنها پرداخته شد. ضمن اینکه لازم به توضیح است که وجود تعارض ارزشی بین نسل ها به معنی برتری و بر حق بودن مطلق ارزش های پدران بر پسران و یا پسران بر پدران نیست. چنانچه برخی از نتایج این تعارض مثبت (مثل تقدیرگرایی کمتر پسران نسبت به پدران) و برخی نیز منفی (کاهش تعهد مذهبی نسل پسران) می باشد.

## منابع فارسی

- آزاد آرمکی، تقی. (1376) نظریه های جامعه شناسی. تهران : انتشارات سروش.

- آزاد مرزآبادی، اسفندیار " (1384) بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش های نوجوانان . "نشریه علوم رفتاری ، شماره 4.

- آزاد، آرمکی، تقی و غلامرضا غفاری(1383) ، جامعه شناسی نسلی در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- آزاد، آرمکی، تقی " (1380) شکاف بین نسلی در ایران "، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره 4 ، سال 1380.

- احمدی علی آبادی، کاوه " (1388) شکاف نسل ها و مشارکت اجتماعی . "سایت باشگاه اندیشه .

<http://www.bashgah.net>. 1388/8/16

- استونز، راب . (1379) متفکران بزرگ جامعه شناس . ی ترجمه :مهرداد میردامادی .تهران :نشر مرکز.

- اسماعیلی، رضا(1380)، "فرهنگ و فاصله نسلی در شهر اصفهان "، فرهنگ اصفهان ، شماره 19،

بهار 1380.

- اعرابی، نادره . (1372) انتقال ارزش از طریق تلویزیون ایران . "پایان نامه کارشناسی ارشد"، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- اینگلهارت، رونالد . (1382) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی ، ترجمه : مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- بالس، کریستوفر " . (1380) ذهنیت نسلی . "ترجمه : حسین پاینده، تهران، ارغنون، شماره 1.